

کاربست روش پدیدارشناسی در مطالعات شیعی غربیان

(مطالعه اتفافی مؤلفه‌های پدیدارشناسی عاشوراپژوهی دیوید پینالت در شبه قاره هند)

دکتر محمدرضا بارانی^۱

چکیده:

شیعه‌پژوهی غربیان فرایند طولانی را پشت سر گذاشته و دیدگاه‌های آنان در این زمینه به‌ویژه در سده بیستم میلادی تحولات شگرفی داشته است. آثار آنان به دلیل برخورداری از روش‌های پژوهش نوین جایگاه بایسته‌ای پیدا کرده‌اند که چندان توجه پژوهشگران را جلب نکرده است. (پیشینه) بدین روی روش‌شناسی شیعه‌پژوهی غربیان از اهمیت زیادی برخوردار است.

این نوشتار با در نظر گرفتن این پرسش که روش پدیدارشناسی در مطالعات شیعی غربیان چه جایگاهی دارد؟ (پرسش) به بررسی این روش در مطالعات شیعی آنان و مولفه‌های پدیدارشناسی دیوید پینالت خواهد پرداخت. (هدف) روش پدیدارشناسی، به گمان بسیاری، روشی همدلانه با مکتب تشیع است و نشان‌گر تأثیرپذیری غربیان از مطالعات شیعی قلمداد شده است. (فرضیه) به دلیل این‌که پینالت آثار فراوانی در این زمینه دارد و از سوی دیگر به شهرهای مختلفی در هند و کشورهای شبه قاره هند سفر کرده و روش پدیدارشناسی را دقیقاً انجام داده است، با روش توصیفی و تحلیلی راهکارهای او در یکی از آثارش (روش) به بررسی راه‌ها و ابعاد مطالعات او در شناخت شیعه و کاربرد روش‌شناسانه شیعه‌پژوهی او می‌پردازیم. (تبیین مسئله) مهمترین دست‌آورد تحقیق این است که برخلاف گمان بسیاری، روش پدیدارشناسی هم‌گرایانه نبوده است و بر اساس اهداف مشخص برای شناخت جایگاه و ظرفیت کنونی و آینده مذهب تشیع و جایگاه جامعه‌شناختی سنت‌های شیعی انجام می‌گردد که نمونه آشکار آن در نوشته‌های پینالت موجود است. (یافته)

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا س. . m.barani@alzahra.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

کلیدواژه:

شیعه‌پژوهی، غربیان، مستشرقان، روش‌شناسی، پدیدارشناسی، دیوید پینالت، شبه‌قاره هند.

مقدمه

پژوهش‌گران معمولاً بر پایه روش و رویکردهایی به تحقیق می‌پردازند که گاه این مسایل بر اساس خودآگاهی و انتخاب شیوه خاص و گاه بدون آگاهی و تنها بر پایه ذوق و سلیقه افراد پی گرفته می‌شود. دانستن روش آنان در شناخت پژوهش‌گران و اهداف پنهان و آشکار آنان و به ویژه هسته سخت یافته‌ها و پژوهش‌های آنان بسیار سودمند خواهد بود. به ویژه اگر این پژوهش‌ها با پشتوانه اهداف سیاسی و غیرعلمی بنیان گذاشته شده باشند، این مسئله بسیار ارزشمندتر خواهد بود و می‌تواند در فرآیند بسیاری از امور تمدنی، سیاسی، دینی، فرهنگی و آینده‌ملت‌ها بسیار نقش چشم‌گیری داشته باشد.

در این زمینه دانستن روش و رویکردهای خاورشناسان که درباره شرق، اسلام و تشیع کارهای تحقیقاتی گسترده و عمیقی انجام می‌دهند، از اهمیت دوچندانی برخوردار است، اما همان‌طور که برای هر گروه از پژوهش‌گران نمی‌توان روش و رویکرد یکسانی در نظر گرفت، خاورشناسان نیز در بررسی اسلام و تشیع، روش و شیوه یکنواخت نداشته و در تحقیقات خود انگیزه‌های مختلف داشته‌اند که در هر دوره برخی انگیزه‌ها پررنگ‌تر بوده است.

کلبرگ در مقاله مطالعات غربی در اسلام شیعی (Kohlberg, ۱۹۸۷: ۳۱- ۳۲) شیعه‌پژوهی در غرب را دارای سه گام می‌داند و می‌گوید هر یک از مراحل در رویکرد شیعه‌پژوهان غربی تأثیر زیادی داشته است. دگرگونی‌های سیاسی و اندیشه‌ای در جهان اسلام و شیعه مانند پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأثیرگذاری آن بر سرزمین‌های اسلامی و گروه‌های شیعی، سبب شد تا این‌گونه مطالعات، جایگاه بنیادین در غرب بیابد. گلدزیهر با پژوهش‌هایش تحولی در توجه غربیان به شیعه‌پژوهی ایجاد کرد و اندیشمندانی مانند؛ هانری کربن، لویی ماسینیون، مونتگمری وات و اتان کلبرگ آثاری را نگاشتند و شناخت علمی منابع شیعی و تاریخ تشیع برای خاورشناسان پدید آمد.

خاورشناسان با بهره‌گیری از روش‌هایی چون؛ تاریخی^۱، تاریخی‌گری^۲ و پدیدارشناسی برای شناخت تشیع و جایگاه آنان در تحولات فکری، سیاسی، مذهبی و اجتماعی جهان اسلام نقش برجسته‌ای در رویکردهای نوین شیعه‌پژوهی داشته‌اند. گرچه شیعه‌پژوهی رسانه‌ای غربیان روند پژوهش علمی و روش‌مند را دچار خدشه کرده و بسیاری از سیاستمداران از آنان تأثیر پذیرفته‌اند، اما در پژوهش‌های روشمند علمی نیز آسیب‌های روشی و رویکردی مانند گزینش موضوعات سیاسی، بررسی اختلاف‌های سیاسی، دینی و اندیشه‌ای بین شیعه و اهل سنت، وجود داشته و به فرایند و برآیند پژوهش‌های آنان خدشه زیادی وارد شده است.

گرچه پژوهش‌گران در آغاز تحقیقات خود اشاره‌ای به روش تحقیق خود در آن اثر نمی‌کنند و در پاره‌ای از پژوهش‌ها، نتیجه و دستاورد با فرآیند تحقیق سازگار نیست. از سوی دیگر گاه روش‌ها در لایه‌های زیرین اثر پنهان است و شناخت روش یا چالش‌های روشی می‌تواند سبب یافته‌های نو در آثار دیگران گردد و زمینه برای نقد روشی و زیربنایی آثار فراهم می‌شود. از سوی دیگر شاید روش برای نویسنده از پیش تعیین شده باشد و اهدافی برای آن در نظر گرفته باشد، بنابراین شناخت روش این‌گونه آثار می‌تواند اهداف و انگیزه‌های پنهان نویسنده را آشکار کند. در پژوهش‌های تاریخی، روش‌های گوناگونی وجود دارد که هر کدام از منظری و با اهدافی، فرآیند خاصی را در پیش گرفته‌اند. در نتیجه اگر محقق با آگاهی به روش گزینشی خود، به تحقیق بپردازد، دستاوردهای مهمتری می‌یابد و ارزیابی دیگران از نتایج تحقیق او دقیق‌تر و عالمانه‌تر خواهد بود.

نداشتن جانبداری و بی‌طرف بودن در پژوهش‌ها برای بررسی گزارش‌ها از جایگاه بالایی برخوردار است. خاورشناسان و غربیان در پژوهش‌های خود بارها این مسئله را مطرح کرده و بی‌طرفی و علمی بودن پژوهش‌ها را بسیار اساسی دانسته‌اند و چنین می‌نمایانند که در فرآیند و برآیند پژوهش‌های آنان به این مسئله توجه شده است، اما گاه چالش از جای دیگر سر می‌زند و روش گزینش شده در بردارنده اهداف خاصی خواهد بود و در حقیقت روش پژوهش، نیازمندی خاصی را تأمین می‌کند. بنابراین برای شناخت ماهیت پژوهش‌های غربیان درباره تشیع، ارزشمندترین راه، شناخت روش آنان است.

1. Historical method

2. Historicism

خاورشناسان در بسیاری از آثار خود روش تحقیق خود را بیان نکرده‌اند، مثلاً هانری کربن، لویی ماسینیون و کلبرگ هیچ‌گونه تبیینی درباره روش خود نداشته‌اند که از کدام یک از روش‌های تاریخی، پدیدارشناسی یا تاریخی‌گری بهره برده‌اند؟ بنابراین لازم است در آغاز، روش‌های پژوهش غربیان و خاورشناسان و چستی آن شناخته شود و سپس هر اثری را بر پایه سنجه‌های آن روش‌ها، بررسی کرد تا روش نویسنده و ماهیت پژوهش نمایان گردد و در پایان، ارزیابی روشمند و علمی صورت گیرد. در این نوشتار تنها به بررسی روش پدیدارشناسی پرداخته خواهد شد، به‌ویژه که این روش در نگاه برخی به عنوان روشی هم‌گرایانه با دیدگاه و مذهب تشیع شناخته شده است و به ماهیت و پیامدهای جامعه‌شناختی و کارکردهای آن توجهی نشده است.

یکی از روش‌هایی که از دوره‌های گذشته تاکنون رواج داشته و کاربردی‌تر از روش تاریخی و دیگر روش‌هاست، روش پدیدارشناسی است و اندیشمندانی مانند هانری کربن و اریزینا لالانی، آن را در آثار خود به‌کار بسته‌اند. در این روش به ریشه‌یابی و نقد باورها و آموزه‌ها پرداخته نمی‌شود و در نتیجه مسلمانان و شیعیان، این‌گونه پژوهش‌گران را دوست‌دار خود می‌پندارند و گاه باور می‌کنند که غربیان به مذهب و دین آنان باور پیدا کرده‌اند. همان‌گونه که برخی درباره کربن چنین می‌پندارند، اما باید دانست که روش پدیدارشناسی، ماهیتی همدلانه دارد و این رویکرد نه بر پایه تغییر نگرش پژوهشگران، بلکه برای آگاهی کامل در باره پدیده انجام می‌شود. پس دانستن چستی روش آثار غربیان و پی بردن به پیامدهای چنین آثاری و نقد روشی آن‌ها یک ضرورت است.

به دلیل گستردگی بحث، مناسب است این روش روی آثار برخی غربیان متمرکز شود. یکی از افرادی که آثارش، نمونه کامل و آشکار روش پدیدارشناسی است، دیوید پینالت^۱ است. او بیشتر پژوهش‌های خود را روی عاشورا پژوهی و سنت‌های محرم در شبه قاره هند و بسیاری از کشورهای دیگر متمرکز کرده است. پرسش‌های این نوشتار این است که روش پدیدارشناسی در شیعه‌پژوهی چه جایگاهی دارد؟ پدیدارشناسی پینالت در عاشورا پژوهی دارای چه مؤلفه‌های بوده و چه پیامدی در برداشته است؟ فرضیه و گمانه‌زنی نوشتار چنین است که روش پدیدارشناسی واقعا هم‌گرایانه و همدلانه نیست،

1. David Pinault.

بلکه در حقیقت بهترین روش برای شناخت رقیب و مخاطب است تا برنامه‌ریزی دقیقی در رویارویی با آنان انجام شود.

در زمینه پیشینه تحقیق گفتنی است که پژوهش اختصاصی درباره روش‌شناسی شیعه‌پژوهی غربیان انجام نشده است. مقاله‌ای باگویی «*خاورشناسان و نگاه تاریخی‌گری و پدیدارشناسانه به مبانی اعتقادی تشیع*» از دکتر محمدعلی چلونگر (چلونگر، ۱۳۸۸)، نوشته شده است، اما به روش‌شناسی و بررسی انتقادی این روش‌ها نپرداخته‌اند و همچنین مقاله «*تشیع‌نگاری و خاورشناسان*» از شکرالله خاکرند، (خاکرند، ۱۳۸۸) به روش‌های آنان توجهی خاصی نکرده است. در برخی آثار دیگر نیز گذرا بحث‌هایی مطرح شده است. مثلاً مقاله «*شرق‌شناسی یهودی و سیطره آن بر مطالعات اسلامی در غرب*» از دکتر فاطمه جان احمدی به مطالعات اسلامی یهود و معرفی برخی مراکز علمی یهود پرداخته است. (جان احمدی، ۱۳۸۸)

رساله دکتری «تأثیر گفتمان یهودی بر تدوین مقالات تاریخی دایره‌المعارف اسلامی با تأکید بر سیره نبوی» (رنجبران، ۱۳۹۳) به آرایه داده‌های فراوانی درباره یهود و سیره‌پژوهی آنان و آمار پرداخته است، اما درباره روش‌شناسی شیعه‌پژوهی غربیان بحثی مطرح نکرده است. بنابراین موضوع این نوشتار یعنی پدیدارشناسی و شیعه‌پژوهی غربیان با تأکید بر روش پدیدارشناسی پینالت در عاشوراپژوهی از اهمیت زیادی برخوردار است.

۱. چیستی روش پدیدارشناسی (Phenomenology)

فنونم با توجه به ریشه یونانی آن، فای‌نستای (phainesthai) به معنای ظهور و جلوه کردن آن چیزی است که پدیدار آمده است. در فلسفه جدید مغرب‌زمین، اصطلاح پدیدارشناسی بیش از همه یادآور مکتب فکری ادموند هوسرل فیلسوف آلمانی و استاد مارتین هایدگر است. (ریخته‌گران، ۱۳۸۰: ص ۱۹۳) گرچه پدیدارشناسی از زمان امانوئل کانت و حتی پیش از آن در فلسفه کاربرد داشته است، اما اشتهار آن به کتاب هگل به نام «پدیدارشناسی روان» بوده است. اما امروزه در سخن از آن، پدیدارشناسی ادموند هوسرل (۱۹۳۸م) را در نظر می‌گیرند. (ریخته‌گران، ۱۳۸۰: ۱۹۵)

پدیدارشناسی از مهم‌ترین مکاتب فلسفی و راهبردی پژوهشی است که آغاز آن به سخنرانی‌های هوسرل در ۱۹۰۷م برمی‌گردد و خودش از آن‌ها به «رشته اندیشه در این

سخنرانی‌ها» یاد می‌کند. بنابراین پدیدارشناسی یا فنومنولوژی، مکتب و روشی است که ادموند هوسرل پایه‌گذاری کرد. (هوسرل، ۱۳۷۲: ۱) پدیدارشناسی یک روش تحقیق با رویکرد فلسفی بود که در آغاز فلسفه پدیدارشناسی مطرح شد و سپس رویکرد به کارگیری آن در یک مطالعه خاص صورت گرفت. (صالحی امیری، حیدری‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۹) پدیدارشناسان فرض نمی‌کنند که از هر آن چه برای مردم اتفاق می‌افتد، خبر دارند، بلکه بر جنبه‌های ذهنی رفتار مردم تاکید دارند. بنابراین محقق کیفی سعی می‌کند به جای ثبت رفتار، پدیده را درک کند که آن رفتار خاص برای افراد مرجع پژوهش چه معنی دارد. (صالحی امیری، حیدری‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۰) هوسرل با این مکتب درصدد بود تا پایه استواری برای همه دانش‌ها، به ویژه فلسفه فراهم آورد و این مسئله را از دکارت فراگرفته بود و به دنبال استوار ساختن دانش بر آگاهی مستقیم و تجربه شهودی بود که بدون واسطه در تجربه و ذهن ما ظاهر می‌شوند. (ریخته‌گران، ۱۳۸۰: ۱۹۵) از این رو پدیدارشناس می‌کوشد تا ساختارهای چپستی پدیدارها را دریابد یا به شهود ماهیت، معرفت و شناخت دست پیدا کند. همه معرفت و شناخت باید بر داده مطلقاً محض و بی‌پیش فرض ساخته شود. (هوسرل، ۱۳۷۲: ۱۰) پدیدارشناسی روشی برای توصیف پدیدارهاست و به تبیین علی و تکوینی شرایط «داده شدن» کلیات به شهود محض علاقه‌مند نیست. پدیده‌شناس در جستجوی عین محض یعنی ماهیت یک شیء یا یک روند خاص نظیر دیدن است. (هوسرل، ۱۳۷۲: ۱۴ و ۱۵)

در پدیدارشناسی، باید از وجود خارجی پدیده‌ها کنار رفت و به تعبیری جهان را در پرانتز گذاشت (یعنی اپوخه^۱ و تعلیق کردن وجود خارجی) (ساکالوفسکی، ۱۳۸۴: ۱۱۰)) تا به شهود و آگاهی رسید. اما برای کامل کردن آن باید یک تحویل و آگاهی دیگر به دست آید که «تحویل پدیدارشناسی استعلایی» یا «توسعه پدیدارشناسی متعالی» نام دارد و محور آن من محض است. در این مرحله پدیدارشناسی را علم ریشه‌ها می‌نامند و پدیدارشناسی، همان «خود» به عنوان مرکز تجربه و آگاهی خود به پیرامون زندگی است و در این جا پدیدارشناسی به خویش‌شناسی مبدل می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۲۰؛ ریخته‌گران، ۱۳۸۰: ۱۹۵)

۱. اپوخه کردن یعنی حالت‌های باورمند خنثی شود و از قضاوت در باره اشیاء خودداری شود.

پدیدارشناسی به جز حوزه معرفت‌شناسی «Epistomology» و فلسفه، در حوزه‌هایی مانند دین، اخلاق، تاریخ، نقد ادبی، حقوق، هنر و جامعه‌شناسی نیز کاربرد پیدا کرده است. پس پدیدارشناسی روش تولید شناخت و دانش‌های بشری را نشان می‌دهد، اما این تولید در حد توصیف خواهد بود و ورودی به مرحله تبیین علی نخواهد داشت؛ (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۱۲) زیرا در این روش به جای قیاس و استقراء و دخالت نظر و دیدگاه محقق، تنها به توصیف پدیدارشناسانه موضوع از منظر فرد باورمند به آن می‌پردازند. هرمنوتیک بر این پیش‌فرض استوار است که تمامی اطلاعات زاید و به ظاهر بی‌مصرف ممکن است برای تفسیر کارآمد باشد، بنابراین باید کلمه به کلمه یک گزاره و متن ملاحظه شود. هرمنوتیک؛ نوع پیشرفته پدیدارشناسی و درصدد توصیف علمی به منظور فهم معنایی و تاریخی از حوادث اجتماعی است. (گایینی، ۱۳۸۵: ۱۷۰) پدیدارشناسی با تجدید نظر دایمی در شناخت، می‌خواهد معرفت را از رنگ‌های گوناگونی که به فاعل و متعلق آن داده شده است، یکسره پاک و منزّه کنند. پس پدیدارشناسی، تنزیه‌شناسایی از پیش‌داوری‌ها و علت‌ها و عقایدی است که خود حجاب درک داده‌های بی‌واسطه می‌شوند. (توالی، ۱۳۶۹: ۱۰۰)

پدیدارشناسی دو گونه است؛ نخست به عنوان روش که تلاش می‌کند از میان حوادث و واقعیات تجربی به درک ماهیات برسد. گونه دوم پدیدارشناسی سیستمی است که در آن به روشن کردن اصل نهایی هر واقعیت توجه می‌شود و به پدیدارشناسی محض و استعلایی نیز مشهور است. (توالی، ۱۳۶۹: ۱۱۱)

خاورشناسان شیعه‌پژوه با این روش به بیان و توصیف آموزه‌های شیعه می‌پردازند و درصدد هستند تا کارکرد و نقش آموزه‌هایی چون امامت یا مهدویت در درون نظام و سیستم اعتقادی و فکری تشیع را نمایان سازند. اندیشمندانی مانند هانری کربن در شیعه‌پژوهی خود از روش پدیدارشناسی و نه روش تاریخی بهره برده‌اند و هم‌چنین «آنه ماری شیمل» و «همیلتون گیب» در تحقیقات خود چنین روشی را در پیش گرفته‌اند. گیب در برخورد با اسلام، شیوه پدیدارشناسانه را انتخاب کرده و کوشیده است مانند افرادی همچون گل‌دزیهر نباشد که در بررسی اسلام، تئوری‌ها و فرضیه‌هایی در ذهن داشته و سپس در متون اسلامی، به دنبال دست‌آویز و شواهدی برای آن باشد و خیالات خود را اثبات کند. (حسینی طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۰۶) همیلتون گیب سرچشمه پیدایش

تشیع را ایرانی نمی‌داند که این موضوع از نگاه پدیدارشناسانه او سرچشمه می‌گیرد. (گیب، ۱۳۶۷: ۱۴۰)

عمده ویژگی‌های این روش عبارت است از:

- ۱) پدیدارشناس، ذهنیت عقل‌گرایی صرف را نمی‌پذیرد. (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۸ و ۱۲)
- ۲) پدیدارشناس به نفی روش تجربی می‌پردازد. امور واقع را به صورت محسوسات علوم تجربی توصیف نمی‌کند و به نقد جدی اثبات‌گرایی می‌پردازد. (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۸ و ۱۲)
- ۳) پدیدارشناس نظریه‌پردازی نمی‌کند. تنها به معاینه پدیده‌ها و سپس به توصیف آن‌ها آن‌طور که در نظر بدون پیش‌دواری‌اش حضور دارند، می‌پردازد. (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۲۰)

۴) در تحقیق پدیدارشناس، فرضیه جایگاهی ندارد؛ زیرا اگر پدیدارشناس، فرضیه‌هایی در نظر بگیرد، باید توصیف او از پدیده با این فرضیه‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها سازگار باشد و از واقعیت پدیده دور می‌گردد. وجود فرضیه در دانش‌های تجربی و روش اثبات‌گرایی و تاریخی شایان پذیرش است؛ زیرا به بررسی درستی و نادرستی فرضیه پرداخته می‌شود، اما در پدیدارشناسی تنها توصیف جایگاه دارد. بنابراین در روش پدیدارشناسانه، محقق با این پرسش روبرو نیست که چرا این پدیده وجود دارد؟ پرسش پدیدارشناس از چیستی پدیده است.

۲. روش پدیدارشناسی در شیعه‌پژوهی

برخی مستشرقان در پژوهش‌های خود از این روش پدیدارشناسی بهره برده‌اند. بی‌طرفی و عدم پیش‌فرض در گردآوری اطلاعات و عدم گمانه‌زنی علمی در پدیدارشناسی و نبود نظریه‌پردازی از ویژگی‌های مهم این روش است. گرچه هر خاورشناس در هر موضوعی بر پایه روشی خاص پیش‌رفته و فقط دنبال یک روش نبوده‌اند. گلدزیهر در برخی آثار خود به گزارش‌های مسلمانان استناد دارد و در حقیقت بحث را از زاویه دید آنان ارایه می‌کند. هم‌چنین اتان کلبرگ در زمینه استناد به منابع اسلامی و شیعی دقت بسیار و معمولاً به منابع تسلط کامل دارد، گرچه در بررسی‌های خود روش تاریخی را پیش می‌گیرد. الیاش نیز تا حدودی از این روش بهره می‌برد و اما حسون بیشتر از این روش بهره برده است؛ زیرا تمرکز او بر مسایل سیاسی و امروزی شیعه است و تلاش دارد

تا وضعیت کنونی شیعه و تشیع را بنمایاند. بدین روی می‌توان گفت روش پدیدارشناسی پس از روش تاریخی، کانون توجه خاورشناسان بوده است. روش پدیدارشناسی می‌تواند برای آنان در شناخت وضع کنونی شیعه و تشیع بسیار سودمند باشد.

در راستای همین روش پدیدارشناسی، غربیان به برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌ها در زمینه عاشورا و آموزه‌های شیعه پرداخته‌اند که نمونه آن سمینار «مطالعات شیعی» در دانشگاه بریستول انگلستان در سال ۲۰۰۲ با ارایه مقالاتی مانند مقاله ویلفرد مادلونگ با نام «علی‌اکبربن حسین که بود»، مقاله اعظم تراب با نام «محرّم و برگزاری عروسی» و هم‌چنین سمیناری با عنوان «هنر و فرهنگ مادی تشیع ایرانی» در سال ۲۰۰۶ م به همراه دو برنامه مربوط به عاشورا چون؛ نمایش فیلم مستندی با عنوان «حامل لویای حسین(ع)، زنان، جاودان‌سازان کربلا» که در ۲۰۰۳ ساخته شده بود و دومین برنامه با عنوان «اسب امام حسین (ع)» برگزار شد. در همین زمینه تحقیقاتی با عنوان «اسب سفید و نقش امام غایب، عاشورا و حکومت شیعی در ایران» به نویسندگی سامر الکرانشوی (Samer El-karanshawy) و «تحریفات عاشورا در جبل عامل لبنان» از صابرینا مروین، در دانشگاه آکسفورد انجام شده است که نشان‌گر توجه فراوان آنان به عاشورا و ابعاد آن در فرهنگی شیعی است تا نقش پدیده عاشورا در زنده و پویا ماندن تشیع آشکار شود.

۳. مؤلفه‌های پدیدارشناسی پینالت در عاشورا پژوهی

در این میان دیوید پینالت^۱ را می‌توان به دلیل پژوهش‌هایش در زمینه شیعیان هند، برجسته‌تر از شیعه پژوهان غربی دیگر دانست.^۲ تمایز وی نسبت به دیگر شیعه پژوهان غربی این است که وی با نوشتن کتاب و مقاله‌هایی درباره تاریخ و فرهنگ شیعه هند،

1. David Pinault.

۲. دیوید پینالت در سال ۱۹۷۴ دیپلم مطالعات فرانسوی خود را از دانشگاه کین در نورمندی فرانسه و در سال ۱۹۷۷ کارشناسی فرانسه خود را از دانشگاه جرج تاون گرفته است. وی هم‌چنین کارشناسی دیگری در مطالعات عربی و آلمانی از دانشگاه زوریخ در سوئیس گرفته است و کارشناسی ارشد و دکتری خود را نیز در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶ در رشته مطالعات عربی و اسلامی از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد و از آنجا که دکترای او مطالعات اسلامی بود، برای انجام پژوهش‌های آن سفرهای متعددی به کشورهای گوناگون جهان داشت؛ از این سفرها می‌توان به مسافرت به مصر، تونس، اردن، پاکستان، هند و اندونزی اشاره کرد. وی در سال ۱۹۹۷ به دانشگاه سانتاکلرا پیوست و به تدریس اسلام و مذاهب جنوب شرق آسیا و فلسفه عرفانی و تشیع در اسلام پرداخت. او در دانشگاه‌های کول گیت (همیلتون) و پنسیلوانیا نیز تدریس داشت. رک به؛ وبسایت دیوید پینالت.

آثار فراوانی درباره محرم و سنت‌های آیینی شیعیان هند نوشته است که نام یازده اثر او درباره عاشورا و امام حسین (ع) چنین است؛ «اسب کربلا: مطالعه در مورد عبادات مسلمانان جنوب آسیا»،^۱ «تشیع: اشعار آیینی و مشهور در یک جامعه مسلمان»،^۲ «روز شیر: مراسم عزاداری و هویت شیعه در لداخ»،^۳ «تشیع در جنوب آسیا»،^۴ «اجتماعات مردان مسلمان شیعه و بزرگداشت محرم در حیدرآباد هند»،^۵ «فصلی از کتاب میراث تشیع با عنوان: آیین ریاضت‌های نفسی در روایات مسیحیت و تشیع»،^۶ «روابط مسلمانان و بوداییان در یک بافت مذهبی: تحلیلی از دسته‌های عزاداری محرم در شهرستان «له» در لداخ»،^۷ «زینب بنت علی (ع) و جایگاه زنان اهل بیت امام نخستین در ادبیات عبادی شیعه»،^۸ «احساس و هنر در مراسم شیعیان معاصر»،^۹ «ما پروانه‌های حسینیم»^{۱۰} و در پایان اثری به نام «تحلیل تطبیقی آداب مرثیه‌خوانی شیعیان در هند معاصر و انجمن توبه مسیحی قرن چهاردهم در ایتالیا و آلمان».^{۱۱}

1. Horse of Karbala: Studies in South Asian Muslim Devotionalism..Martin's Press, 2000.

2. The Shiites: Ritual and Popular Piety in a Muslim Community. New York: St. Martin's Press, 1992.

3. The Day of the Lion: Lamentation Rituals and Shia Identity in Ladakh." Ladakh Studies, 12 (1999) 21-30.

4. Shi'ism in South Asia", The Muslim World 87 (1997) 235-57.

5. Shi'a Muslim Men's Associations and the Celebration of Muharram in Hyderabad, India", Journal of South Asian and Middle Eastern Studies 16 (1992) 38-62.

6. Self- Mortification Rituals in the Shi'i and Christian Traditions", In The Shiite Heritage: Essays in Classical and Modern Traditions (ed. Lynda Clarke; New York: Global Publications / Binghamton University, 2001) 375-88.

7. Muslim-Buddhist Relations in a Ritual Context: An Analysis of the Muharram Procession in Leh Township, Ladakh."

8. Zaynab bint 'Ali and the Place of the Women of the Households of the First Imams in Shiite Devotional Literature", In Women in the Medieval Islamic World (ed. Gavin Hambly; New York: St. Martin's Press, 1998) 69-98.

9. Emotion and Art form in Contemporary Shia Muslim Ritual" Emotion and Art form in Contemporary Shia Muslim Ritual"

10. We Are the Moths of Husain': Chapbook -Poems and the Performance of Muharram Rituals among Three Shia Men's Associations of Hyderabad, India", Paper presented at the 23rd Annual Conference on South Asia, University of Wisconsin-Madison, November, 1994.

11. Shiite Lamentation Liturgies of Modern India and Christian Penitential Guilds of Fourteenth-Century Italy and Germany: A Comparative Analysis", Paper presented at

دلیل عمده توجه خاورشناسان به بررسی سنت‌های محرم در نزد شیعیان هند را می‌توان تأثیرات عمیق فرهنگی و اجتماعی و هویتی حادثه عاشورا بر شیعیان شبه قاره هند برشمرد؛ به‌گونه‌ای که آن را به عنوان پیش‌زمینه «مطالعات شیعی» در شبه قاره تبدیل کرده است و کتاب‌ها و مقاله‌هایی به روش پدیدارشناسی و با رویکرد جامعه‌شناختی و سیاسی درباره این سنت‌ها نوشته‌اند.

نکته مهم در آثار پینالت؛ توجه ویژه وی به تحلیل جامعه‌شناختی آداب و مراسم عاشورایی است و به ابعاد نمایشی و ادبی عاشورا مانند تعزیه و سوگواره‌های عاشورایی پرداخته است. وی در اثر خود با عنوان «تشیع در جنوب آسیا» به بررسی توصیفی و میدانی کارکرد سنت‌های عاشورا در همگرایی و واگرایی گروه اندک شیعه هند با مسلمانان سنی و غیرمسلمانان هند پرداخته است. نکته مهم این‌که شیعیان هند با ۱ درصد جمعیت هند به عنوان گروه کوچکی از مسلمانان با حدود ۱۱ درصد جمعیت هند تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در فرهنگ و آداب مردم هند دارند و همین ویژگی سبب شده برخی خاورشناسان مانند؛ دیوید پینالت، جان نورمن هالیستر و جاستین جونز پژوهش‌هایی درباره شیعیان داشته باشند. گرچه این تأثیرات گاه به درگیری مذهبی شیعیان و سنیان کشیده شده یا در مناسبات شیعه و سنی و انجام سنت‌های مذهبی تأثیرگذار بوده است. پدیدارشناسی دیوید پینالت را می‌توان یکی از کامل‌ترین گونه‌های آن در شیعه‌پژوهی دانست؛ زیرا مؤلفه‌هایی در این پدیدارشناسی آورده است که معرفت پدیدارشناس را به واقعیت پدیده نزدیک می‌کند. این مؤلفه‌ها چنین است که او از یک سوراخ‌های شناخت را دقیق در نظر گرفته است تا از زوایای مختلف، شناخت و درک پدیده را به دست آورد. از سوی دیگر به بستر پدیده توجه می‌کند و توجه به بستر و فرآیند شکل‌گیری پدیده را برای درک وضع کنونی پدیده دخالت می‌دهد. هم‌چنین پینالت، ارتباط پدیده با لایه‌های مختلف جامعه و گروه‌های گوناگون، کارکرد آن پدیده در این جامعه، توجه به مسایل

the International Conference on Shi'i Islam, Philadelphia, PA, September, 1993.

۱. هرچند آمار دقیقی از جمعیت شیعیان هند وجود ندارد اما جمعیت شیعیان هند را بین ۱۵ تا ۲ میلیون تخمین زده‌اند. رُک به: رفیق زکریا، «نزاع در اسلام»، هاینس هالم، «تشیع» (مبحث تشیع دوازده امامی در شبه قاره)، سیاوش یاری، «تاریخ اسلام در هند»، اطهر رضوی، «شیعه در هند» و هم‌چنین Moojan Momen, An introduction to Shiism, The history and Doctrine of twelver Shii Islam, oxford, 1985.

جامعه‌شناختی و زیباشناختی برخاسته از پدیده در مردم، توجه به تفاوت شهرها در درک و بهره‌گیری از یک پدیده، تأثیر اجتماعی و دینی آن پدیده در آینده جامعه و در پایان، تولید نگرش و رفتارهای خاص را از ارکان پدیدارشناسی هدفمند خویش قرار داده است. در حقیقت پینالت با دخالت دادن این امور نه تنها از پدیدارشناسی دور نشده است که دقیقاً شناخت پدیده را از منظر و نگرش باورمندان به پدیده بررسی کرده است و از یک سو هم‌گرایی با پدیده و باورمندان به پدیده را ایجاد کرده و همراهی جدی آنان را در راستای اهداف علمی به دست آورده است. از سوی دیگر به شناخت واقعی پدیده نزدیک شده و در مجموع اندیشه کلی و آینده‌نگرانه‌ای به جامعه و فرآیندهای پیش روی جامعه و آسیب‌شناسی پیدا کرده است. در این جا مؤلفه‌های مهم پدیدارشناسی پینالت بر اساس مطالعات عاشوراپژوهی او بررسی خواهد شد.

۱.۳. راه‌های شناخت به پدیده

پژوهش‌گر برای درک و فهم باور گروهی از مردمان به مردمان کشورهای دیگر که فرهنگ و دینی و جامعه‌ای کاملاً متفاوت دارند، نمی‌تواند تنها به مشاهده خودش بسنده کند و شاید بهترین راهکار برای پژوهش‌گر، این است که از خود مردم باورمند به آن پدیده اجتماعی و دینی یاری بگیرد. پینالت دقیقاً همین کار را کرده است و از مسیرهای مختلف و راه‌های گوناگون شناخت پدیده استفاده کرده است.

منابع آگاه مسلمان

در پدیدارشناسی آگاهی به برداشت مردم باورمند بسیار مهم است؛ به‌ویژه اگر راه آگاهی به وسیله افراد آشنا با پدیده در منابع مکتوب انجام شود. به دلیل به کارگیری تعبیر منابع آگاه می‌توان گفت آگاهی از راه مطالعه نوشته‌ها و آثار انجام شده است و اگر در گفتگو این مطالب را به دست آورده بود، به عنوان گفتگو می‌آورد. در همین راستا پینالت در جاهایی یادآور شده که منابع آگاه مسلمان در حیدرآباد به من گفتند که سلسله قطب شاهی سال ۱۹۵۱م در حیدرآباد تأسیس شد و حاکمان قطب شاهی، سنت پایدار پشتیبانی دولت از مراسم محرم را پایه‌ریزی کردند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۸) گرچه این یک گزارش است، اما نشانگر توجه پینالت به همه گونه راه‌های شناخت است تا هر چه بیشتر پدیده را بشناسد.

دیدگاه دیگر خاورشناسان

پینالت تنها به مشاهده‌های خود بسنده نمی‌کند و در جایی می‌گوید کول متذکر شد که این فضای مدارا و تساهل میان فرقه‌ای برای علمای شیعه که از ایران و عراق آمده بودند و برای افزایش قدرت خود نزاع می‌کردند، نفرت‌انگیز بود. این دانشمندان به شکل اصولی به قوانین شیعه پای بند بودند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۶) به گفته جی. ارای. کول، ریشه‌های تشیع در شمال هند (۹۰-۲۸۶, Cole, Rootes) هم‌چنین پینالت در تحقیق خود به نوشته‌های دیوید پیتر استناد می‌کند که پیتر در نوشتار خود درباره همراهی هندوها با مراسم شیعیان می‌نویسد: «در تحقیقاتم با هندوهایی روبرو شدم که در مراسم محرم وظایفی مانند: سرایداری زیارتگاه‌های شیعه، حمل عَلم و کوتل هیئت‌ها، مجلس‌گردانی و توزیع نذری‌ها در نمازخانه‌ها به احترام شهیدان را انجام می‌دادند» (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۹) توجه به برداشت‌های دیگر محققان نیز می‌تواند قسمت‌هایی از جدول شناخت را تکمیل کند که دیگران متوجه شده‌اند و پژوهش‌گراز کنار آن‌ها گذر کرده باشد.

عرف شیعی:

منظور از عرف، رفتاری است که به عنوان یک سنت و رسم در میان مردم جاری بوده و به عنوان سنت‌های مردمی شناخته شده است. او می‌گوید: در عرف شیعی این کلمه به معنی سوگواری و تعزیه امام حسین (ع) است، ولی در شمال و نواحی جنوب هند و در بین سنی‌ها این تعزیه‌ها را قبرساختگی امام حسین (ع) یا تابوت می‌خوانند و مجالس را در منازلی که تعزیه را در آن قرار می‌دهند و گاه در منازل بدون تعزیه، تشکیل می‌دهند و مردم دسته دسته از خانه‌ای بیرون می‌آیند و به خانه دیگر می‌روند. (رضوی، ۱۳۷۶: ۱۹۴) به تعبیری او به برداشت‌های مردمی درباره رفتارها و آداب و مفاهیم توجه می‌کرده است تا شناخت را دقیق‌تر گرداند.

گفتگو و مصاحبه:

در پدیدارشناسی، دیدن و حضور در مراسم مربوط به پدیده بسیار مهم است، اما گاه لازم است با افراد خاصی که اطلاعاتی درباره آن پدیده دارند، گفتگوی حضوری انجام و پرسش‌هایی مطرح شود تا ابهام و پیچیدگی‌های پدیده، بهتر دانسته شود. پینالت از

راه مصاحبه و گفتگو نیز به شناخت سوگواری عاشورا پرداخته که برخی نمونه‌ها چنین است. وی می‌گوید در چند مصاحبه با صادق نقوی، استاد تاریخ دانشگاه عثمانی در حیدرآباد، گفت‌وگو کرده است و از قول او نقل می‌کند که قطب شاهیان، آگاهانه از مراسم عمومی شیعیان برای ایجاد یک ویژگی فرهنگی مشترک میان مردم دکن بهره می‌گرفتند و امروزه مراسم محرم حیدرآباد تأثیر ابعاد مختلفی از مذاهب اسلام و هندو را نشان می‌دهد. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۸)

نمونه دیگر این است که پس از مصاحبه با اعضای شش دسته ماتم در حیدرآباد دانسته شد، افراد زیادی از این دسته‌ها در شهر هستند که بیشتر آنان هم‌محل و همسایه‌اند و برخی دیگر بر مبنای پیوندهای نسبی یا قومی شکل گرفته‌اند. گروه‌های مردان و زنان هر کدام مجالسی را برگزار می‌کنند و پس از یاد مصیبت‌های کربلا و سخنرانی، شرکت‌کنندگان به خواندن نوحه و ماتم و زاری می‌پردازند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۹)

پس از مصاحبه با مسلمانان شیعه و سنی در حیدرآباد و حتی در لاداک، دهلی و غرب بنگال، مردم تأکید کردند که ماتم، سنت شیعی است و توسط شیعیان شکل گرفته و انجام می‌شود. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۰)

منابع آگاه هندو و دیگر مذاهب:

پینالت تنها به مصاحبه و گفتگوی حضوری با شیعه و سنی بسنده نکرده و از دیگر پیروان ادیان و مذاهب نیز بهره برده است تا حس و درک آنان را نسبت به پدیده بیابد و می‌گوید منابع آگاه هندو و پیروان دیگر مذاهب که با مسلمانان و مراسم‌های آنان ارتباط دارند نیز این گونه بوده‌اند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۸) وی می‌گوید در تحقیقاتم با هندوهایی روبرو شدم که در مراسم محرم وظایفی هم‌چون؛ سرایداری زیارتگاه‌های شیعه، حمل علم و کوتل هیئت‌های عمومی، مجلس‌گردانی و همکاری در توزیع نذری در نمازخانه‌ها به احترام شهدا را برعهده گرفته بودند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۹)

تحقیق و مطالعه کتاب:

تمرکز پینالت بر تحقیق میدانی و در کنار آن مطالعه متون و آثار مرتبط با این پدیده‌ها زیاد بوده اس. او می‌گوید «تحقیقات من در حیدرآباد بر گروه ماتم یعنی انجمن‌های

محلّی شیعه یا جمعیت مردان محلّی که در محرم مراسم ماتم را برگزار می‌کنند، متمرکز شد. ماتم به لحاظ مفهوم کلی بر حالت گریه و زاری برای متوفی دلالت دارد. در متون شیعه، ماتم نمایانگر سوگواری برای حسین (ع) و دیگر شهیدان کربلاست که عمدتاً به شکل سینه‌زنی مکرر و گاه به شکل صدمه زدن به خود با استفاده از تیغ یا زنجیر است». (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۹)

مسئله دیگر ادعای نویسنندگان شیعه هندی بر پیوند تشیع هندوستان با نبرد کربلاست. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۳) در نمونه دیگر هم مشاهده و هم مطالعه منابع را در نظر می‌گیرد و نتیجه‌گیری می‌کند: «فرصت محدودی برای مشاهده مراسم محرم زنان داشتم و بر اساس اطلاعات منابع که داشتم، زنان مجالسی پرشورتر دارند، اما عرف مذهبی مانع از انجام هر نوع ماتمی غیر از سینه‌زنی توسط زنان می‌شود. با این حال متوجه زنی شدم که به دلیل نذری که کرده بود خود را با قمه مجروح کرده بود». (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۰)

۲.۲. پیشینه و فرآیند آیین‌های عاشورایی شیعی

برای آگاهی از یک پدیده لازم است پیشینه و فرآیند شکل‌گیری آن در یک بازه زمانی گذشته تاکنون در نظر گرفته شود تا درون و عمق باور از یک سو و ارتباط آن با دیگر آداب و رسوم یا گروه‌های اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر شناخته شود. گرچه نباید در این بررسی فرآیند، ریشه‌یابی تاریخی به منظور کشف درستی یا نادرستی آن انجام شود. وی می‌گوید آثار اخیر نویسندگان شیعه هندی بر این مدعاست که پیوند تشیع با هندوستان به نبرد کربلا برمی‌گردد. این نویسندگان روایتی را نقل کرده‌اند که امام حسین (ع) خواهان پناهندگی به هند بود، زیرا همسرش شهربانو پیوند سببی با پادشاه هندوستان چاندراکوپتا (Chandra Gupta) داشت تا این‌که یک گروه از جنگجویان هند به نام برهمن‌های موهیل به عراق رفتند و با کمک به مختار ثقفی انتقام شکست حسین را گرفتند و اوایل سده‌های هفتم و هشتم هندوستان پناهگاه شیعیانی بود که با آزار خلیفه دمشق و بغداد مواجه می‌شدند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۳) کربلا تنها نمونه خارق‌العاده از رنجی است که اولیای شیعه متحمل آن شدند و به علت این معصومیت، خداوند به او و خانواده‌اش قدرت شفاعت از افرادی را داد که در مراسم سوگواری هر ساله محرم به احترام شهیدان کربلا، یاد امام را گرامی می‌دارند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۲)

پینالت از این گونه گزاره‌ها پیوند مراسم عاشورا با تاریخ باستان هند و ارتباط سببی با بزرگان و پادشاهان را نتیجه‌گیری می‌کند.

پینالت بر این باور است که آغاز تشیع را بایستی در واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) جستجو کرد.^۱ وی عاشوراشناسی را برای شناخت شیعه و مطالعات شیعی در شبه قاره هند و آسیای جنوب شرقی لازم می‌داند (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۲) و می‌گوید شیعیان از بین مسلمانان در عشق به اهل بیت (ع) از همه پیشی گرفتند و این عشق را با برگزاری مراسم عمومی ثابت می‌کنند. برداشت نویسندگان شیعه هندی، پیوند تشیع مردم هندوستان با نبرد کربلا است و به روایت درخواست پناهندگی امام حسین (ع) به هند استناد می‌کنند. برخی خاورشناسان مانند کورت فریشلر، بارتولو مو و مارسلین نیز داستانی مانند آن درباره سفر نماینده امام حسین (ع) به ایران برای درخواست یاری از ایرانیان را نقل می‌کنند. (فریشلر، ۱۳۶۰: ۴۲۱) گرچه دیوید پینالت در اثر خود «تشیع در جنوب آسیا» حضور قدرتمند شیعه در جنوب آسیا را به اواخر قرن دهم برمی‌گرداند که مبلغان اسماعیلی قدرت سیاسی در بسند و شهر مولتان داشتند. در افسانه حسن، او را به عنوان مردی از نژاد اصیل ایرانی (بهمن پسر اسفندیار) یاد کرده‌اند که به فرمانروایی رسید و نام بهمنی را به خود داد و قلمرو خود را بهمنی نامید. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۴) این داستان نشان‌دهنده تأثیر مذهبی و فرهنگی ماندگار هند و ایران بر حیدرآباد است. طریقه نعمت‌اللهمی ایرانی یک انجمن صوفی شیعه، دراویش را برای تبلیغ به دکن فرستاد و به یکی از سلاطین بهمنی تاجی با دوازده نشان زمرد اهدا کرد که سمبل حکمرانی و سیادت معنوی دوازده امام است. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۴)

پینالت ضمن پرداختن به مذهب و جامعه در اوده؛ به تأثیر برپایی عزاداری محرم در نمایش اقتدار سیاسی شیعه و همچنین تنظیم مناسبات اجتماعی و مذهبی شیعه با اهل سنت و دیگر جوامع مذهبی در این منطقه اشاره می‌کند. وی می‌گوید: «در قرن هجدهم با کاهش قدرت متمرکز مغول در دهلی، ایالت شیعه‌گرای «اوده» به خودمختاری سیاسی رسید. بسیاری از بزرگان ایرانی مهاجر به هند بودند و موقعیت‌های مهمی در فرمانروایی

۱. به نظر می‌رسد پژوهشگران و نویسندگان در بررسی پیدایش تشیع برخی مسایل مربوط به رشد و گسترش تشیع و رویدادهای مهم شیعه را با پیدایش مکتب تشیع خلط کرده‌اند. پیدایش مکتب به پیدایی اندیشه و تفکر برمی‌گردد که در آغاز اختلاف بحث جانشینی در سقیفه و دوره پیامبر (ص) رخ داده است.

مغول به دست آوردند. با استقلال اوده، اشراف شیعه به دو روش قدرت جدید و نوپای خود را علنی کردند؛ نخست از راه برگزاری هیئت‌های عمومی محرم در مرکز شهر لکهنو و دوم از راه استخدام عالمان اصولی که در دانشگاه حقوق ایران و عراق آموزش دیده بودند. امروزه لکهنو به عنوان مکانی که در محرم درگیری‌های فرقه‌ای در آن رخ می‌دهد، از آوازه ناپسندی برخوردار است. گرچه باید تأکید کرد که این مراسم شیعیان، نقش پل وحدت را در لکهنو برعهده داشت». (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۵)

وی همچنین به نقش حضور مهاجران ایرانی در دربار امپراطوری سنی مذهب مغول و تعدیل مواضع مغولان نسبت به شیعه و فراهم‌سازی فرصت‌های مناسب جهت برپایی سنت‌ها و آزادی‌های مذهبی شیعیان می‌پردازد و می‌گوید: «اورنگ زیب، دولت شیعی قطب‌شاهی را در سال ۱۶۸۷ میلادی فتح کرد، اما تأثیر فرهنگی و مذهبی شیعه در حیدرآباد همچنان پابرجا بود. قرن شانزدهم؛ همایون امپراطور مغول به منظور بازپس‌گرفتن سلطنت دهلی از رقبای خود از شاه طهماسب کمک گرفت و در جریان آن به شیعه دوازده امامی ایمان آورد یا چنین وانمود کرد. دوران سلطنت پسر همایون، اکبر و جانشینان پس از او شاهد افزایش مهاجران ایرانی بود که در میان آن‌ها بازرگانان، شاعران و هنرمندان نیز بودند. حکمرانی اکبر، دوره مدارا با شیعیان و نشان‌دهنده وحدت التقاطی دین الهی حمایت‌شده دربار اکبر همراه با آمیزه‌ای از اصول هندی، زرتشتی و اسلام عرفانی است. اکبر خود حامی تشیع نبود، بلکه در محیط برگرفته از دین الهی و مفهوم صلح جهانی، پایبندی مذهبی فرد بیشتر مطرح بود تا وفاداری فردی به امپراطور. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۴-۳۷۵) اما اورنگ زیب (۱۶۵۸-۱۷۰۷) مراسم شیعی در امپراطوری مغول را ممنوع و به قلمرو قطب‌شاهی دکن، به نام ارتودکس سنی حمله کرد و دوره مدارا به پایان رسید». (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۵)

پینالت در گزارش خود درباره نقش سلسله قطب‌شاهی در معرفی عزاداری محرم به عنوان مراسم دولتی چنین می‌گوید: «سلسله قطب‌شاهی در حیدرآباد (سال ۱۵۹۱) تأسیس شد و حاکمان آن سنت پایدار حمایت دولتی از مراسم محرم را پایه‌ریزی کردند. قطب‌شاهیان آگاهانه از مراسم عمومی شیعیان برای ایجاد یک ویژگی فرهنگی مشترک میان افراد مختلف شهر دکن بهره‌گرفتند. وضعیت کنونی مراسم محرم حیدرآباد، تأثیرپذیری ابعاد مختلفی از مذاهب اسلام و هندو را نشان می‌دهد. حاکمان آصف‌شاهی سنی نیز، وزیران شیعه بی‌شماری در اختیار داشتند. قطب‌شاهی برگزاری مراسم عمومی محرم را ادامه دادند،

درحالی که بیشتر مردم، هندو بودند. چنین رویکردی سبب شد که شیعیان حیدرآباد، دولت را ولی نعمت خود بدانند. میرعثمانعلی خان آخرین حاکم نیز به حمایت از شیعیان ادامه داد و در مجالس سوگواری محرم در اولدسیتی (Old City) (نقطه کنونی فرهنگ شیعه در حیدرآباد) شرکت می کرد. از زمان پیوستن حیدرآباد به هند، این دولت سیاست گذشته را در حمایت از مراسم محرم حیدرآبادی ادامه می دهد». (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۸-۹)

هدف پینالت برای یافتن گزارش های پیشینه ای حوادث و باورها در روش پدیدارشناسی، تنها ارتباط دادن با برخی باورها و دست یابی به چیستی آموزه ها و کارکرد واقعی آن ها در جامعه کنونی است، درحالی که پیشینه تاریخی باورها و حوادث معمولاً برای بسترشناسی و ریشه یابی باورها و درستی آن ها انجام می شود. گرچه این مسئله روش درستی است، اما نمی توان ارتباط قطعی بین پدیده های کنونی جامعه و پدیده های پیشین برقرار کرد.

۳.۳. بررسی ماهیت مرثیه و گروه ماتم:

پینالت می گوید ارزش مطالعه در نوحه ها به دلیل مضمونی است که در این شعر خواندن گروهی نمایان می شود. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۰) نوحه و مرثیه خوانی را وسیله و فرصتی برای شیعیان هند می داند تا با بهره گیری از مضامین آن حس همدردی جامعه را نسبت به خود به عنوان اقلیتی رنج دیده برانگیزانند و می گوید: «من به درون مایه رنج، تخلیه ارادی خود از راه آرایه مفاهیم مرتبط با هویت شیعی، پی برده ام». (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۲-۳)

نوحه به دنبال برانگیختن تأثر و اندوهی است که مربوط به لحظه های خاصی از رنج های شهیدان است. ویژگی نوحه در یادآوری و تجسم دلخراش و تأثرآور، علاوه بر بعد کلامی، دارای بعد زیباشناختی است. این تصویرپردازی به وسیله شعرهایی ظاهر می شود که برای برانگیختن اندوه در میان شرکت کنندگان در نظر گرفته شده و پرهیزگاری شیعیان، این امتیاز مذهبی را حفظ می کند که توسط آن دسته که برای حسین گریه می کنند و آن دسته که دیگران را به گریه وامی دارند به دست آمده است. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۳) مضامین دیگری که بارها در نوحه های حیدرآباد شنیده می شود، می تواند در بخش های زیر شناسایی کرد. اولین آن از دسته ای به نام گروه عزاداران حسینی است و دومی توسط انجمن معصومان منتشر شده است که بزرگترین انجمن شیعه حیدرآباد

و در میان نوجوانان شهر بسیار محبوب است. درست است که این شعرها توأم با اندوه است و خاطرات گذشته را گرامی می‌دارد، اما سبب می‌شود که مردم امروزه خود را در آئینه تاریخ بنگرند و تامل کنند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۲)

شرکت‌کنندگان ترغیب می‌شوند که خود را بخشی از سلسله متصل عزاداران ببینند که از راه ماتم، از نسلی به نسل دیگر مرتبط‌اند. دقیقاً به این دلیل که ماتم، حالتی که اساساً به عنوان ویژگی شیعیان تلقی می‌شود، در تعریف اجتماعی شیعیان موثر است. «در این اندوه آن‌هایی که بر سینه‌های شان می‌کوبند به پا خواهند خواست». (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۳) پینالت همچنین شرکت گروه‌های سنی و غیرمسلمانان هندو در مراسم تعزیه را ناشی از ظرفیت مراسم محرم در تخلیه رنج‌ها می‌داند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۰)

وی در تحقیقات خود به تفاوت برداشت از ماتم و سنت‌های محرم شیعی می‌پردازد و می‌گوید: «گرچه سنی‌ها برخی اوقات بانی مراسم محرم می‌شوند، اما از شرکت در مراسم ماتم که یک سنت شیعی است، امتناع می‌نمایند. سنی‌ها برای امتناع از این کار به دلایل مختلفی استناد می‌کنند مثلاً در هیچ جای قرآن آیه‌ای درباره خودزنی یا گونه‌ای از سوگواری افراطی برای مرده وجود ندارد. استدلال دیگر آن بود که گرچه کربلا یک شکست نظامی بود، اما در حقیقت یک پیروزی معنوی است، از این رو می‌تواند دلیلی برای جشن گرفتن باشد نه اندوه». (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۰)

از نوشته‌های مختلف پینالت می‌توان مسائلی مانند؛ جذب حس همدردی جامعه، تخلیه خود از رنج و اندوه، برانگیختن اندوه مردم، نگاه و تأمل تاریخی به فرایند مذهبی پیشینان خود، هویت اجتماعی شیعه و در پایان آمادگی برای جنبش را برای شیعه یافت که او درصدد برداشت از این‌گونه مراسم‌هاست و نگاه هدفمند و فرآیندی نویسنده را به آیین‌های شیعه می‌رساند.

۴.۲. هم‌آوایی آیین‌ها و سوگواری‌ها

توجه به متن و مفاهیم مطالب و شهرها و نوحه‌ها در ماتم‌ها و سوگواری‌ها از نکته‌های اساسی برای پدیدارشناسی است. پینالت می‌گوید در مراسم‌هایی که توسط انجمن‌های شیعه حیدرآباد برگزار می‌شود، شرکت‌کنندگان در یک گروه با هم و نه تکی، ماتم انجام می‌دهند و آهنگ ضربه زدن بر اساس نوحه است، درحالی‌که گروه حالت سوگواری به خود می‌گیرد. بزرگترین دسته‌های محرم، نوحه‌خوانان و شاعرانی دارند که هر سال

نوحه‌هایی جدید را برای محرم آماده می‌کنند. این دسته‌ها همچنین خوانندگانی دارند که هر کدام توسط همسرایی از مردان جوان حمایت می‌شوند و شعرها را می‌خوانند. پس از پاسخ قطعه، شرکت‌کنندگان سینه می‌زنند، بنابراین سینه زدن همراه با خواندن نوحه، آهنگی را پدید می‌آورد. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۰) ارزش مطالعه در نوحه‌ها به دلیل مضمونی است که در این شعر خواندن گروهی نمایان می‌شود. بیت‌های زیر مرثیه‌ای به یاد سکینه دختر چهار ساله حسین (ع) است.

وای چه اتراقی؛ هنوز آثار طناب برگردن دختر نمایان است
از غم و اندوه گریه کن، آری بلند گریه کن
دستانش هنوز گوش‌هایش را می‌پوشاند آه!
خون بر شانه‌هایش خشکیده است

این بیت‌ها به ستم و هتک حرمتی اشاره دارد که اغلب در سوگواری‌های محرم بازگو می‌شود. سربازان یزید بی‌رحمانه زمانی که سکینه را اسیر کردند، گوشواره‌هایش را از گوشش کشیدند و گوشش پاره شد. این شعر با تکیه بر اطلاعات پیشین شنوندگان از حوادث غم‌انگیز کربلا، بسیار تلویحی است. نوحه به دنبال برانگیختن اندوهی مربوط به لحظه‌های خاصی از رنج‌های شهداست. ویژگی نوحه در یادآوری دلخراش، علاوه بر بعد کلامی، دارای بعد زیباشناختی است. این تصویرپردازی به وسیله شعرهایی ظاهر می‌شود که برای برانگیختن اندوه شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شده است. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۱)

از سوی همه مردم از همه جا بارها صدای فریاد «یا حسین» را می‌شنویم. همه مردم در مکان و زمان خود آن را فریاد می‌زنند.

مادر حسین دعا می‌کند که این فریاد همیشه طنین‌انداز شود.
از خاک تا افلاک. ای محبوب حسین وای محبوب حسین
ای کاش ماتم برای حسین همیشه باشد.
بگذار غمی جز غم حسین نباشد.
و بگذار تا قیامت بماند این ایام باشد و دیگر هیچ.
ای محبوب حسین و ای محبوب حسین.

در این شعر برخلاف مراسم یادبود و بزرگداشت این حادثه، به حوادث تاریخی گذشته

چندان تأکیدی نشده است، در واقع شعر پر از اشاره‌های فراوان به ماتم است و بارها این اندوه به صورت عملی نشان داده می‌شود تا نبرد کربلا را با زمان حال پیوند دهد. حال غم و مصیبت کربلا را به تو می‌گوییم.

لحظه به لحظه امید به زندگی است

برای آن‌هایی که در این بیابان سوزان تشنه‌اند.

بیابانی که در آن رودخانه‌ای جاری است.

آن‌هایی که از تقوی و اخلاق بی‌بهره‌اند، از فیض الهی می‌توانند بهره‌گیرند.

در این گنجینه‌ای از کردار نیکوست. مخزنی از رفتار پسندیده و خصایصی نیکو.

آن‌ها می‌گویند اشک ریختن نشانه زوال است، اما قرن‌هاست مردمی هستند که با وجودن مردن همچنان زنده‌اند.

بگذار بیرق بالا باقی بماند تا زمانی که آسمان و افلاک در چرخش‌اند.

بگذار شیرو جوان بشنوند! با فریاد حسین کاروان پیش رود و این گام‌ها منزلزل نشود...

جوانان سوگوار شما آرزوی قلب هستید آن هم قلب حسین.

تا قیام قیامت، از سینه‌ها بیرون می‌زند این صدای ماتم و عزا.

شایان توجه است که خوانندگان، مردم را مخاطب قرار می‌دهند و درباره کارهایی که کرده‌اند، صحبت می‌کنند. درست است که این شعرها با اندوه همراه است و خاطرات گذشته را گرامی می‌دارد، اما در کنار آن، سبب می‌شود مردم امروزه خود را در آئینه تاریخ بنگرند و تأمل کنند و مردم خود را بخشی از سلسله متصل سوگواران ببینند که از راه ماتم، از نسلی به نسل دیگر ارتباط دارند. دقیقاً به این دلیل که ماتم، حالتی است که به عنوان ویژگی شیعیان شمرده می‌شود، در تعریف اجتماعی شیعیان نقش مؤثری دارد. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۰-۸۳)

پینالت در پدیدارشناسی خویش باید به متن و پیام‌ها و حسی که ایجاد می‌کند، توجه کند تا شناخت پدیده همراه با واقعیت موجود در جامعه باشد و حتی آن را در شناخت جامعه شیعه و تعریف شیعه، نکته اساسی می‌پندارد. گرچه در صورت پذیرش باید گفت این مسئله، تنها می‌تواند به شیعیان در یک سرزمین خاص، اختصاص داشته باشد.

۵.۳. حضور طبقات مختلف در عاشورا مانند زنان

پینالت در بررسی توصیفی سنت ماتم، به تأثیرات اجتماعی آن در هویت شیعی در

حیدرآباد و اندرآبادش می‌پردازد و می‌گوید: «تحقیقات من در حیدرآباد بر گروه ماتم شیعه یا جمعیت مردان محلی متمرکز شد. به نظر می‌رسد تعداد زیادی از این دسته‌ها در شهر وجود دارد که بیشتر آنان هم محلی و همسایه‌اند و برخی دیگر بر مبنای پیوندهای اصلی و نسبی یا قومی شکل گرفته‌اند. اعضای قدیمی گروه ماتم صرفاً آقایان هستند، گرچه طی سال‌های گذشته انجمن‌های ماتم زنان در حیدرآباد تأسیس شد. گروه‌های مردان و زنان هر کدام مجالسی را برگزار می‌کنند» (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۹).

به دلیل این‌که پدیدارشناسی به بررسی یک پدیده و باور در جامعه می‌پردازد و در نتیجه دانستن جایگاه اجتماعی و ظرفیت آن پدیده در جهت دادن به جامعه و ایجاد جریان‌های اجتماعی، بسیار ارزشمند و اثربخش خواهد بود. این‌که این پدیده در میان چه گروه‌هایی و با چه کارکردهایی نقش دارد، از مسایل مهم در شناخت دقیق پدیده است و بینالت دقیقاً آن را انجام داده است.

حضور پیروان ادیان و مذاهب دیگر:

بینالت در نوشتار خود درباره جنبه‌های تأثیرگذاری محرم در ایجاد همبستگی و پیوند اجتماعی شیعیان با دیگر فرقه‌ها می‌گوید: «مراسم مذهبی محرم نمودی است از کارکرد سنت‌های مذهبی برای ایجاد ارتباطات فرقه‌ای و گروهی. تعجب‌آور نیست که هیئت‌های عزاداری در برخی مناطق از جمله «له» برای نشان دادن و تأکید بر همبستگی مسلمانان در برابر تنش‌های قومی استفاده می‌شود و به عنوان بخشی از جریان بهبود روابط از مراسم مذهبی به منظور در کنار هم بودن و گرد هم آمدن مسلمانان با هندوها و بودایی‌ها در فضایی صمیمی و فارغ از درگیری استفاده می‌کنند. در تحقیقاتی که انجام دادم، با هندوهایی مواجه شدم که در مراسم محرم نقش داشتند. برداشت من این بود که یک شهروروند بومی هرگز محرم را در حیدرآباد تنها یک میل و وظیفه شیعی به برانگیختن دیگر بخش‌های جامعه نمی‌داند، بلکه حیدرآباد مانند فضای قرن هجدهم لکهنو پیش از کارهای عالمان اصولی اوده، برای قطبی کردن علائق گروهی، فرهنگ مختلط و کثرت‌گرایانه محرم را حفظ کرده است» (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۹).

بینالت در تحقیق میدانی خود به تأثیرات فرهنگی و اجتماعی برخی از سنت‌های محرم شیعی در ایجاد تمایز مذهبی بین شیعه و سنی پرداخته است. او می‌گوید: «گرچه

سنی‌ها به خانواده پیامبر ص احترام می‌گذارند و گاه بانی مراسم محرم می‌شوند، اما از شرکت در مراسم ماتم که يك سنت شیعی است امتناع می‌کنند. شیعیان حیدرآباد مانند شرایط موجود در لکهنو، به عنوان اقلیت جامعه مسلمان این شهر به نوبه خود با جمعیت بزرگ هندو زندگی می‌کنند، اما برخلاف لکهنو مراسم محرم در حیدرآباد سال‌هاست که فارغ از اختلافات گروهی و فرقه‌ای است. دلیل این امر این است که برپایی مراسم آرام محرم به تاریخ حیدرآباد به عنوان یک دولت مستقل امیرنشین برمی‌گردد» (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۸).

وی در توجیه فرامذهبی بودن سنت‌های محرم خاطر نشان می‌سازد: «جشن محرم روشی برای برطرف کردن نیاز مردم است و مسلمانان سنی، به محرم به عنوان فرصتی برای گریه کردن شایسته این ایام اهمیت نمی‌دهند، بلکه این گرایش مربوط به جایگاه اجتماعی مسلمانان به عنوان گروه اقلیت است. یکی از اعضای کمیته محرم در مصاحبه اظهار داشت: محرم تنها مراسم ما در اسلام است که توسط دولت به رسمیت شناخته شده است و تنها برای جلوس می‌توانیم اجازه و تأیید بگیریم. هندوها مراسم زیادی در طول سال دارند، در محرم با جلوس می‌توانیم بگوییم که در اینجا مسلمان است، بدون توجه به سرچشمه این مراسم و ارتباط آن با تشیع در جاهای دیگر هند. محرم در هند برگزار می‌شود؛ زیرا روشی قانونی را برای نمایش حضور مسلمانان در آن فراهم می‌کند» (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۵-۸۶). بنابراین نتیجه پینالت، بسیاری از اهل سنت در برخی شهرهای هند، تنها برای افزاشته بودن پرچم اسلام به مراسم عاشورا اهمیت می‌دهند و هیچ نگاه و باوری به ماهیت مراسم و پیوند آن با تشیع ندارند، پس هویتی اسلامی در جامعه متکثر دارد.

پینالت نیز در بررسی محرم در دارجلینگ (غرب بنگال) به بررسی جنبه‌هایی از مراسم شیعیان می‌پردازد که قابل انتقال به محیط غیرشیعی است و می‌گوید: «بسیاری از شیعیانی که به شهرهای شمال هند مهاجرت کردند نیز سنت‌های همیشگی محرم را به این مناطق و شهرها آوردند. هر ساله جمعیت مسلمان دارجلینگ هیئت‌هایی را در ده روز اول محرم تشکیل می‌دهند که به راهپیمایی عاشورا پایان می‌یابد که هزاران تماشاگر را به سوی خود می‌کشاند. اما این اقدامات توسط غیرمسلمانان انجام می‌گیرد. تقریباً همه آنها سنی و غیرمسلمانان هندو هستند گرچه تعداد زیادی شیعه زمانی در دارجلینگ بودند اما در سال ۱۹۴۰ و پس از استقلال آن جا را ترک کردند» (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۵-۸۶).

۸۴-۳۸۳: ۱۹۹۷) در این جا نیز دور بودن مراسم از ماهیت شیعی و توجه مردم غیرشیعی به نیاز خود و تماشای آن به عنوان یک رسم اجتماعی، وجود دارد.

۰۷،۳. مناسبات فرامرزی و آگاهی شیعه

پینالت نیز در گزارش خود به فراهم سازی فرصت محرم جهت برقراری ارتباطات درونی و بیرونی جامعه شیعه در هند اشاره می کند و می گوید: «در فرایند تحقیقاتم در حیدرآباد به این نتیجه رسیدم که جمعیت شیعه کمتر منزوی می شود و از دیگر جمعیت های شیعی هند و دیگر مناطق جهان آگاه است. در حیدرآباد نیز من خطیب مهمانی را دیدم که اهل کراچی بود. کنسول گری ایران در حیدرآباد بانی مجالسی در منطقه اولدسیتی شهر گردید. من در کتاب دیگری به تلاش های جمهوری اسلامی ایران برای تحکیم نقش خود به عنوان پیشوای مذهبی شیعیان در شبه قاره هند پرداخته ام. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۵)

زمانی که با شیعیان هند درباره برداشت آن ها از رابطه شیعیان هند با دنیای بیرون سوال کردم، تردید را در آن ها دیدیم. آن ها آشکارا به انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران می بالیدند و آیت الله خمینی را به خاطر نقشی که در دفاع و تأکید بر باورهای شیعه در عرصه بین المللی داشت و نقش آن به عنوان جایگاه اصلی هویت شیعه در سراسر جهان تحسین می کردند، اما این جهان نگر با حقیقت ناخوانده دیگری متوازن شده است. شیعیان هند کاملاً از پایگاه اجتماعی خود به عنوان اقلیت آگاه هستند. افرادی که با آنان مصاحبه کردم، با تنش ها و نگرانی های شیعیان در پاکستان آشنا بودند و می دانستند که شیعیان پاکستان به عنوان اقلیت در کراچی و جاهای دیگر در برابر خشونت قرار می گیرند. تعمیم و نتیجه گیری ها در فضای متنوع و گوناگونی چون هند پرمخاطره است.

با این حال دست کم در حیدرآباد و لاداک من با شیعیانی ملاقات کردم که دولت هند را به عنوان حافظ و ضامن حق خود در برگزاری مراسم و ترتیب دادن هیئت های عمومی در محیطی که عمدتاً غیرمسلمان اند، می دانستند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۸) با وجود تنش های فرقه ای در مناطقی چون لکنهو، جمعیت شیعه هند در ارتباط خود با دولت سازگار و بدون درگیری هستند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۹)

همان گونه که گفتیم این انعطاف پذیری در سنت های محرم به ویژه ماتم و نوحه برای یکپارچگی گروهی است و با این که شیعیان به عنوان جامعه ای متفاوت از جوامع دیگر

هستند، سنت‌های محرم در موقعیت هندوستان در مراسم‌هایی مانند خاکسپاری، هیئت‌ها و نذری دادن، این امکان را نیز فراهم می‌کند که دیگر گروه‌های سنی، هندو و بودایی‌ها در برخی شهرها مانند لاداک در آن شرکت کنند و موجب همزیستی گروهی مردم می‌گردد.

بررسی محرم در دارجلینگ (غرب بنگال) فرصت را برای بررسی این‌که کدام جنبه‌ها و ابعادی از مراسم و آیین شیعیان را می‌توان به محیط غیرشیعی انتقال داد، فراهم می‌آورد. این آیین‌ها و راه انداختن هیئت‌ها توسط مسلمان سنی انجام می‌گیرد، نه شیعیان و یقیناً حال تماشاچیان دارجلینگ، حال سوگواری پراشک و آه نیست، بلکه برخلاف حیدرآباد، حال شادی و مراسمی پرشور است. خیرسانان مسلمان در ایام محرم ۱۹۹۵ م گمان می‌زدند که حدود سه تا هفت هزار مسلمان در هیئت هشتاد هزار نفری شهر وجود دارد و تقریباً همه سنی هستند. هیچ‌کدام از شمار زیاد مصاحبه‌شوندگان در مراسم محرم، خود را شیعه معرفی نکردند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۵-۸۶)

در جزیره سوماترای اندونزی که سنت‌های محرم توسط شیعیان مهاجر هندی به این منطقه وارد شده است، در ده روز اول محرم مراسمی به شکل جشن برگزار می‌کنند. فارغ از تأکید شیعه بر سوگواری در ده روز اول محرم؛ این یادمان در قالب جشن برگزار می‌شود که از نظر آنان آرامش عاطفی را فراهم می‌کند و روشی برای زدودن فشار روحی جامعه است. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۵-۸۶) پینالت در گفتگویی که با برخی شهروندان مسلمان و بودایی انجام داده است، مناسبات شیعیان جامو کشمیر با اهل سنت و بودایی‌ها و سنت‌های محرم در این منطقه را بررسی کرده و می‌گوید: «مردم شهر در مصاحبه با من درباره بهبودی بسیار خوب مناسبات فرقه‌ای کنونی، اتفاق داشتند، اما نگرانی خود را درباره یافتن راهی برای حفظ این مناسبات می‌گفتند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۷-۸۸)

پلاکارد ذوالجناح، اسب امام حسین (ع) را با نیزه‌هایی در بدن و خون‌آلود به تصویر کشیده است. پرچم‌هایی سبز و سیاه در دو طرف پلاکارد قرار گرفته است، همراه با بنرهایی حاوی نقل قول‌هایی به زبان اردو و انگلیسی از آیت‌الله خمینی. در داخل زیارتگاه، سالن بزرگی است که در پشت آن منبر خطیب قرار گرفته که با تصویر دیگری از ذوالجناح و پنجه علم نقره‌ای (پرچم‌های نبرد به شکل دستانی سمبلیک و نگهبان) بر روی دسته آن، نقش بسته است. بر روی دیوار داخلی زیارتگاه، پرده‌های پارچه‌ای نصب شده که روی آن تصاویری از ذوالجناح، گل رز به عنوان سمبل شهدا، دستان قطع شده حضرت عباس،

مشک آب سوراخ شده با تیر دوخته شده است» (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۷-۸۸). همچنین سنت‌های محرم در جامو و کشمیر؛ پیوستگی‌های فرهنگی و مذهبی شیعه هند را با جهان می‌رساند. او می‌گوید: «مدل این پرده‌ها کاملاً مشابه کارهای هنری است که در زیارتگاه‌های شیعیان در دمشق دیده بودم و جوانی اطراف زیارتگاه مرا راهنمایی کرد و به من گفت این پرده‌ها از خاورمیانه توسط مهاجران شیعه اهل لاداک آورده شده است که آن را به ماتم سرای له هدیه کردند. این کارهای هنری را همراه با تقویمی با پرتزه‌هایی از رهبران بزرگ ایران دیدیم که در مغازه‌ها و کیوسک‌ها آویزان بود که نشان دهنده روش‌هایی است که از راه آن شیعیان له از پیوندشان با جامعه جهانی شیعه آگاه می‌شوند» (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۸). این‌گونه مناسبات تأثیرگذاری شیعه بر دیگر فرقه‌ها و مردم از یک سو و از سوی دیگر نقش دولت‌های شیعی به ویژه جمهوری اسلامی را در پیوند دادن به شیعیان می‌رساند.

پینالت می‌گوید: «براساس تاریخ شفاهی و منابع خصوصی من از اعضای انجمن و دیگران، یک صد سال گذشته، شیعیان فقیر و اندک بودند و سنی‌ها به شیعیان سنگ پرتاب می‌کردند و شیعیان معمولاً مجالس را پنهانی در ماتم سرای و در تاریکی برگزار می‌کردند، اما از حدود سی یا چهل سال پیش مراسم محرم در منطقه له در داخل ساختمان برگزار می‌شد و مجالس به خانه‌های خصوصی منتقل شد و میزبانی مراسم بین خانواده‌ها نوبتی بود. کم‌کم با افزایش جمعیت شیعیان پس از استقلال و مهاجرت شیعیان، اعتماد به شیعیان نیز بیشتر شد و جلسه‌های عمومی محرم را در روز عاشورا برگزار کردند و هم‌چنین در این زمان بود که ماتم سرا در بازار ساخته شد» (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۷-۸۸).

گفتنی است که مناسبات تنها یک سویه نبوده است و شیعیان نیز با دیگر مردمان همراهی می‌کردند. مثلاً پینالت می‌گوید: «منابع خبری ام گفتند که ما شیعیان نیز در ماه گذشته در جشن بودائیان در له به افتخار تولد بودا، شرکت کردیم. آن‌چه در مجلس چواتا دین مشاهده شد، نمودی از کاربرد مراسم مذهبی برای ایجاد مناسبات فرقه‌ای و گروهی به شیوه‌های مثبت است. تعجب‌آور نیست که هیئت محرم له برای نشان دادن همبستگی مسلمانان در برابر تنش‌های قومی استفاده می‌شود. آن‌چه مرا شگفت زده کرد، این بود که مسلمانان به عنوان بخشی از جریان بهبود روابط از مراسم مذهبی برای

کنار هم بودن و گردآمدن مسلمانان و بوداییان در کنار هم در فضایی صمیمی و دور از درگیری استفاده می‌کنند. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۸۷-۸۸)

۸.۳. بررسی تفاوت جامعه شناختی سوگواری شهرها

هر پدیده اجتماعی دارای ابعاد و زوایای گوناگونی است که پدیدارشناس نیازمند آگاهی به آن‌هاست تا درک او به حقیقت برسد و برداشتی از درون پدیده داشته باشد. یک پدیده مذهبی می‌تواند در شهرها و مناطق مختلف برون دادهای خاصی داشته باشد و گاه بیننده به تفاوت ماهوی آن باور پیدا کند؛ بنابراین مقایسه این پدیده در یک سرزمین و یک گروه مردمی با همان پدیده در سرزمین‌های دیگر زمینه دریافت تفاوت جامعه‌شناختی آن را فراهم می‌کند.

در این زمینه پینالت می‌گوید: برداشتی که من کردم آن بود که یک شهروند بومی، هرگز محرم را در حیدرآباد تنها یک تمایل و وظیفه شیعی به برانگیختن دیگر بخش‌های جامعه نمی‌داند، بلکه حیدرآباد همانند فضای قرن هجدهم لکهنو، فرهنگ کثرت‌گرایانه محرم را حفظ کرده است. همچنین راه بازشناختن فرهنگ محرم حیدرآباد از محرم لکهنو قرن بیستم، این است که شیعیان حیدرآباد معمولاً دولت هند را به عنوان پشتیبان و ضامن خود در برگزاری مراسم آرام و مسالمت‌آمیز می‌دانند، برخلاف وضعیت اوتارپرادش که مراسم شیعیان لکهنو بارها از سوی دولت جلوگیری شده است. (Pinault, ۱۹۹۷: ۳۷۸) پینالت به بررسی چند ساله در شهرهای مختلف هند و جنوب شرق آسیا پرداخته است. مثلاً مراسم‌ها و آیین عاشورا را در اوده^۱، حیدرآباد^۲، اوتارپرادش^۳، اندراپرادش^۴، دارجلینگ^۵، بیهار^۶، غرب بنگال، برمه، تایلند، اندونزی، مالزی، کشمیر و پاکستان بررسی پدیدارشناسانه می‌کند^۷ و این‌گونه مراسم‌ها و انگیزه‌های آنان را در برگزاری مراسم و پیوند و ارتباط با دیگر شهرها را

۱. در شمال اوتارپرادش جای گرفته است (Awadh).

۲. در مرکز مثلث جنوبی هند جای گرفته است (Hyderabad).

۳. ایالتی در شمال هند (Uttar Pradesh).

۴. ایالتی در شرق مثلث جنوبی هند (Andhra Pradesh).

۵. از شهرهای شرقی هندوستان در ایالت بنگال غربی است (Darjeeling).

۶. ایالتی که در شرق هند قرار دارد (Bihar).

۷. بسیاری از شهرهای هند و سرزمینهای پیرامون که موضوع پژوهش پدیدارشناسانه قرار گرفته است، در شرق هند و جنوب شرقی بوده و برخی نیز در شمال و پاکستان نیز در غرب جای دارد.

مقایسه می‌کند و به تحلیل جامعه‌شناختی می‌پردازد. پدیدارشناس با این فرآیند به تفاوت جامعه‌شناختی سوگواری‌ها دست می‌یابد و در تحلیل کلان‌پدیده و جایگاه و کارکرد آن توان بالایی خواهد داشت که پینالت نیز چنین کرده است.

۹،۳. کارکردهای محرم در هویت اجتماعی و مذهبی

پس از همه این مباحث می‌توان گفت پدیدارشناسی پینالت به کارکردهای محرم به صورت ویژه دست یافته است که مهم‌ترین آن‌ها در نوشته‌های او؛ تقویت هویت اجتماعی و مذهبی شیعیان، برانگیختن حس همدردی و تخلیه رنج‌ها، مناسبات فرامذهبی شیعه، مناسبات شیعه با پیروان دیگر ادیان، پیوستگی شیعیان هند با جامعه جهانی، تفاوت‌های جریان‌سازی جامعه‌شناختی شیعیان در شهرها و مناطق مختلف، پیوند دادن طبقات مختلف جامعه، برانگیختن حس جنبش، هم‌آوایی با دولت‌های پشتیبان و در پایان پیروی از دولت‌های شیعی به ویژه جمهوری اسلامی ایران است.

۴. نتیجه پدیدارشناسی پینالت

(۱) حاکمان قطب‌شاهی سنت پایدار حمایت دولتی از مراسم عاشورا را برای ایجاد یک ویژگی فرهنگی مشترک آگاهانه پایه‌ریزی کردند.

(۲) نقش هندوها در محرم همچون سرایداری زیارتگاه‌ها، حاملین علم در هیئت‌های عمومی، بنیان مجالس و دوستداران نذری دادن به یکدیگر در نمازخانه‌ها به احترام شهدا. (۳) شهروند بومی فرهنگ مختلط و کثرت‌گرایانه محرم را حفظ کرده است.

(۴) تعداد زیادی از انجمن‌ها هم‌محلی و همسایه‌اند و برخی دیگر بر مبنای پیوندهای اصلی و نسبی یا قومی شکل گرفته‌اند.

(۵) زنان مجالسی پرشورتر دارند، اما عادات مذهبی مانع از انجام هر نوع ماتمی غیر از سینه‌زنی می‌شود.

(۶) گرچه سنی‌ها به خانواده پیامبر احترام می‌گذارند و در برخی مواقع بانی مراسم محرم می‌شوند، با این حال بارها می‌گفتند که ماتم انجام ندهید و این سنت در قرآن تایید نشده است.

(۷) ویژگی نوحه در تجسم دلخراش کربلا علاوه بر بعد کلامی، بعد زیباشناختی نیز دارد.

(۸) شعرها و نوحه‌های سوگواری، همراه با اندوه است و خاطرات گذشته را گرمی می‌دارد،

اما سبب می‌شود که شرکت‌کنندگان امروزه خود را در آیین‌ها تاریخ‌بنگردد و تأمل کنند. (۹) دقیقاً به این دلیل که ماتم به عنوان ویژگی شیعیان تلقی می‌شود، در تعریف اجتماعی شیعیان، موثر است. «در این اندوه آن‌هایی که بر سینه‌هاشان می‌کوبند، به پا خواهند خاست» و در پایان عاشورا، هویت‌بخش و امیددهنده است.

نتیجه:

بینالت و دیگر خاورشناسان و اندیشمندان غربی در شیعه‌پژوهی به برخی موضوعات خاص توجه داشته‌اند و می‌توان گفت محورهایی مانند؛ بررسی احوال و زندگی اجتماعی شیعیان را با کارکرد روان‌شناختی، بررسی روابط شیعه با دیگر مذاهب با کارکرد اجتماعی درون‌گرا، بررسی روابط شیعه با دیگر پیروان ادیان با کارکرد اجتماعی برون‌گرا، بررسی کارکرد عاشورا در نهضت حسینی و دقیقاً توجه به عنصر سیاسی جنبش امام حسین (ع) با کارکرد سیاسی، بررسی تاریخی این پدیدار یا بررسی سیر تاریخی پیدایی پدیده و در پایان زمینه‌سازی برای آینده‌نگری درباره جایگاه این پدیده و نقش پدیده در آینده، به صورت ویژه بررسی شده است.

مطالعات شیعی غربیان، بیشتر به موضوعاتی که نیاز علمی، سیاسی و دینی آنان را دربرداشته باشد، منعطف است و عاشورا در این‌گونه مطالعات، جایگاه ویژه‌ای نداشته؛ زیرا برای آنان جایگاه علمی، سیاسی یا دینی نداشته است. گرچه به آداب و سنت‌های شیعی مانند سوگواری‌های عاشورایی برای شناخت شیعه اندکی توجه داشته‌اند، اما در مطالعات کنونی شیعه‌پژوهان غربی عاشورا جایگاه بسیار مهم و پایه‌ای پیدا کرده است؛ زیرا جایگاه سیاسی دارد و کارکرد فراوان آن در دگرگونی و تحول اندیشه و رفتار شیعه، میدانی برای شناخت توان و جایگاه سیاسی و جنبشی شیعیان است و به دلیل کارکردهای روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی عاشورا و آینده شیعیان، شیعه‌پژوهی با روش پدیدارشناسی برای غربیان جایگاه بسیار مهمی دارد.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. ابراهیمی، پریچهر، *پدیدارشناسی*، ترجمه و تالیف، تهران، چاپخانه حیدری، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۸.
۲. جان احمدی، فاطمه، *شرق شناسی یهودی و سیطره آن بر مطالعات اسلامی در غرب*، مجموعه مقالات همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان، به کوشش دکتر محمدرضا بارانی، قم، انتشارات خاکریز، ۱۳۸۸.
۳. چلونگر، محمدعلی، *خاورشناسان و نگاه تاریخی گری و پدیدارشناسانه به مبانی اعتقادی تشیع*، مجموعه مقالات همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان، به کوشش دکتر محمدرضا بارانی، قم، انتشارات خاکریز، ۱۳۸۸.
۴. حسینی طباطبائی، مصطفی، *تقدآثار خاورشناسان*، تهران، انتشارات چاپخش، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۵. خاکرند، شکرالله، *تشیع نگاری و خاورشناسان*، مجموعه مقالات همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان، به کوشش دکتر محمدرضا بارانی، قم، انتشارات خاکریز، ۱۳۸۸.
۶. رضوی، سیداطهرعباس، *شیعه در هند*، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
۷. رنجبران، داود، *تأثیرگفتمان یهودی بر تدوین مقالات تاریخی دائرةالمعارف اسلام با تاکید بر سیره نبوی*، قم، دانشگاه معارف اسلامی، دفاع در خرداد ۱۳۹۳.
۸. ریخته گران، محمدرضا، *پدیدارشناسی چیست؟ نشریه تخصصی فلسفه*، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، شماره ۳ و ۲.
۹. ساکالوفسکی، رابرت، *درآمدی بر پدیدارشناسی*، ترجمه محمدرضا قربانی، تهران، انتشارات گام نو، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۰. صالحی امیری، سیدرضا؛ و الهه حیدری زاده، *روش های تحقیق کیفی در پژوهش های اجتماعی*، ضرورت توجه به روش های تحقیق کیفی در بررسی های فرهنگی اجتماعی، تهران، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۱. کورت فریشلر، *امام حسین ع و ایران*، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران، بدرقه جاویدان، چاپ پنجم، ۱۳۶۰.
۱۲. گایینی، ابوالفضل، *روش شناسی هرمنوتیک و فرهنگ سازمانی*، فصلنامه حوزه و دانشگاه،

- قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۷، زمستان ۱۳۸۵.
۱۳. نوالی محمود، *پدیدارشناسی چیست؟ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، تبریز، دانشگاه تبریز، تابستان و پاییز ۱۳۶۹، شماره ۱۳۵ و ۱۳۶.
۱۴. هالم، هاینس، *تشیع*، ترجمه محمدتقی اکبری، قم، انتشارات دانشگاه ادیان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۵. همیلتون گیب، *بررسی تاریخی اسلام*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۶. هوسرل، ادموند، *ایده پدیدارشناسی*، مترجم عبدالکریم رشیدیان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۷. یاری، سیاوش، *تاریخ اسلام در هند از آغاز تا قرن پنجم هجری*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- منابع انگلیسی:

1. David Pinault, 1997, *SHIISM IN SOUTH ASIA, The Muslim World* 87, 1997:234-57, routledge taylor & francis group, london and new york, first published 2008 by routledge, simultaneously published in the usa and canada.
2. Emotion and Art form in Contemporary Shia Muslim Ritual” Emotion and Art form in Contemporary Shia Muslim Ritual”.
3. Horse of Karbala: Studies in South Asian Muslim Devotionalism.. Martin’s Press, 2000.
4. Etan, Kohlberg, 1987, western studies of Shia Islam, Martin Kramer, Shiism, Resistance and Revolution, West view press, London: Mansell.
5. Moojan Momen, An introduction to Shiism, The history and Doctrine of twelver Shii Islam, oxford, 1985.
6. Muslim-Buddhist Relations in a Ritual Context: An Analysis of the Muharram Procession in Leh Township, Ladakh.”

7. Saiyid Athar Abbas Rizvi (1986) A Socio-Intellectual History of the Isna ' Ashari Shi'is in India, in 2 Vols., Canberra.
8. Self- Mortification Rituals in the Shi'i and Christian Traditions" ,In The Shiite Heritage: Essays in Classical and Modern Traditions (ed. Lynda Clarke; New York: Global Publications / Binghamton University, 2001) 375-88.
9. Shi'a Muslim Men's Associations and the Celebration of Muharram in Hyderabad, India" ,Journal of South Asian and Middle Eastern Studies 16 (1992) 38-62.
10. Shi'ism in South Asia" ,The Muslim World 87 (1997) 235-57.
11. Shiite Lamentation Liturgies of Modern India and Christian Penitential Guilds of Fourteenth-Century Italy and Germany: A Comparative Analysis" ,Paper presented at the International Conference on Shi'i Islam, Philadelphia, PA, September 1993
12. The Day of the Lion: Lamentation Rituals and Shia Identity in Ladakh." Ladakh Studies 12 (1999) 21-30.
13. The Shiites: Ritual and Popular Piety in a Muslim Community. New York: St. Martin's Press, 1992
14. We Are the Moths of Husain': Chapbook -Poems and the Performance of Muharram Rituals among Three Shia Men's Associations of Hyderabad, India" ,Paper presented at the 23rd Annual Conference on South Asia, University of Wisconsin-Madison, November 1994
15. Zaynab bint 'Ali and the Place of the Women of the Households of the First Imams in Shiite Devotional Literature" ,In Women in the Medieval Islamic World (ed. Gavin Hambly; New York: St. Martin's Press, 1998) 69-98.